

Esteemism as a Foreign Policy; A Framework for Analyzing Iran's Foreign Policy and Axis of Resistance

Received: 2023/11/21

Accepted: 2024/03/11

Mostafa Arabameri*

Asma Emami **

(86-108)

Since the political-military developments in Syria, Lebanon and Iraq, the role of the Islamic Republic of Iran in this crisis and the formation of the axis of resistance has been studied from various perspectives. This research aims to investigate new dimensions of Iran's presence in Syria, Lebanon and Iraq and the role of the axis of resistance in these developments by using Nedlibo's cultural theory and emphasizing the principle of dignity. In this research, the foreign policy of the Islamic Republic of Iran is analyzed on the basis of prestige and the axis of resistance, and it is hypothesized that Richard Nedlibou's cultural theory, relying on concepts such as seeking honor and prestige, can reveal the neglected dimensions of Iran's foreign policy towards the axis of resistance. enlighten us The results of the research show that the historical past as well as Islamic and revolutionary teachings have caused the motivation of the spirit to be the basis of the foreign policy behavior of this country and in the form of concepts such as; "Honour" and "self-respect" should shape Iran's positions and behavior in the international arena. The topics of this article analyze Iran's foreign policy towards the axis of resistance in a descriptive-analytical way.

Keywords : Foreign Policy, Islamic Republic of Iran, Axis of Resistance, Respectability.

* PhD in History and Civilization of Islamic Nations, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, m244.Arabameri@ut.ac.ir.

** PhD student of International Relations, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran (corresponding author), asma.emami63@gmail.com.



عزت‌طلبی به مثابه سیاست خارجی؛ چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی ایران و محور مقاومت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

مصطفی عرب عامری*، اسماء امامی**

(۱۰۸-۸۶)

چکیده

از زمان وقوع تحولات سیاسی - نظامی در منطقه به‌ویژه در سوریه، لبنان و عراق، نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران از منظرهای گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از نظریه فرهنگی ندلیبو و با تأکید بر اصل عزت‌طلبی ابعاد نوینی از حضور ایران در مسئله سوریه، لبنان و عراق و نقش محور مقاومت در این تحولات را بررسی نماید. در این پژوهش بر اساس عزت‌طلبی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت تحلیل می‌شود و این فرضیه مطرح شده است که نظریه فرهنگی ریچارد ندلیبو با اتکا به مفاهیمی همانند عزت‌جویی و پرستیژ می‌تواند ابعاد مغفول مانده سیاست خارجی ایران در قبال محور مقاومت را برای ما روشن نماید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد گذشته تاریخی و همچنین آموزه‌های اسلامی و انقلابی سبب شده است انگیزه‌ی روحیه، مبنای رفتار سیاست خارجی این کشور قرار بگیرد و مفاهیمی از جمله «عزت» و «عزت نفس» به مواضع و رفتار ایران در عرصه‌ی بین‌الملل شکل بدهد. مباحث این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی، سیاست خارجی ایران را در قبال محور مقاومت تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت، عزت‌طلبی.

*. دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و

معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، m244.Arabameri@ut.ac.ir.

** . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(نویسنده مسئول): asma.emami63@gmail.com.

۱. مقدمه

خاورمیانه به‌عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا از جمله مناطق مهم و استراتژیک در عرصه سیاست جهانی است. این اهمیت استراتژیک سبب شده است تا تحولات این منطقه قابلیت خاصی برای تبدیل شدن به بحران‌های بین‌المللی و حضور بازیگران متعدد را دارا باشد. این عامل نیز در نهایت، سبب پایداری این بحران تحت تأثیر مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌گیرد. اهمیت بحران‌های منطقه خاورمیانه تا به حدی است که می‌توان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و امنیتی این منطقه را بر اساس نقاط عطف بحران‌ها تبیین نمود. به‌عنوان نمونه، جنگ هشت ساله ایران و عراق و تحولات متعاقب آن، حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ م و در نهایت تحولات سال ۲۰۱۱ م که می‌توان از آن به بهار عربی یا بیداری اسلامی یاد کرد.

اهمیت بحران در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و امنیتی منطقه خاورمیانه به حدی است که می‌توان به تبیین تحولات این منطقه با اتکا به این بحران‌ها پرداخت. در میان بحران‌های منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین تحولاتی که عرصه سیاسی، اجتماعی و امنیتی خاورمیانه شاهد آن بوده است، مسئله بیداری اسلامی و تحولاتی است که متعاقب آن در کشورهای همانند سوریه، لبنان و عراق اتفاق افتاده و موجب ارتقاء تحولات داخلی این کشورها به بحرانی چندجانبه در اثر حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده است.

در میان بحران‌های منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین تحولاتی که عرصه سیاسی، اجتماعی و امنیتی خاورمیانه شاهد آن بوده است، مسئله بیداری و تحولاتی است که متعاقب آن در کشورهای همانند سوریه و بعدتر در عراق و لبنان اتفاق افتاده و موجب ارتقاء تحولات داخلی این کشورها به بحرانی چندجانبه در اثر حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده است.

سقوط نظام سیاسی کشورهای عربی مختلف تحت تأثیر بیداری اسلامی سبب گردید به تدریج توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این تحولات جلب گردیده و هر یک از بازیگران با انگیزه‌های متفاوت در صدد نقش‌آفرینی در این انقلاب‌ها برآیند. مداخله

کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات بهار عربی در مسئله سوریه در نهایت به اوج خود رسیده و بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تشدید تحولات سوریه به مداخله در این بحران پرداختند که در نتیجه آن از یک سو صفا‌آرایی‌های گوناگونی در عرصه نظامی - سیاسی سوریه به وقوع پیوست و از سوی دیگر در نتیجه تعمیق این بحران و ظهور بازیگران گریز از مرکز همانند داعش دامنه این بحران به عراق نیز سرایت نمود.

در تحولات نظامی - سیاسی سوریه، لبنان و عراق یکی از مهم‌ترین بازیگرانی که به ایفای نقش در این بحران پرداخت، جمهوری اسلامی ایران بود. پس از وقوع بحران در این کشورها، مسئله بحران از منظرهای مختلفی مورد واکاوی قرار گرفته است به گونه‌ای که محققان متعدد هریک ابعادی از این حضور را چه از لحاظ علل و چه از منظر فرایندی مورد مذاقه قرار داده‌اند.

مروری بر ادبیات تولید شده در زمینه علل، فرایند و برآیند حضور جمهوری اسلامی ایران در تحولات عراق، لبنان و سوریه حکایت از آن دارد که پژوهشگران مختلف در تبیین‌های خود مفاهیمی همانند موازنه قدرت، موازنه تهدید و یا مسائل سازه‌انگاران را دال کانونی تحلیل خود انتخاب کرده‌اند و به هستی‌شناسی جریان‌های اصلی روابط بین‌الملل در راستای واکاوی مسئله این حضور دست یازیده‌اند. این امر در حالی است که عرصه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی به تدریج در سال‌های اخیر به سمت رویکردهای ادراکی - کرداری حرکت نموده است و استفاده از این نظریه‌ها می‌تواند راهگشای تبیینی مناسب‌تر در مسائلی همانند حضور جمهوری اسلامی ایران در بحران عراق و سوریه و در نتیجه تشکیل محور مقاومت گردد. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که می‌تواند از لحاظ هستی‌شناسی ابعاد نوینی از حضور جمهوری اسلامی ایران در مسئله عراق، لبنان و سوریه و نقش محور مقاومت در این تحولات داشته باشد، نظریه‌ای روح‌بنیان ریچارد ندلیو^۱ است. بر این اساس، این پژوهش بر آن است تا با استفاده از عزت‌طلبی به‌عنوان یکی از محورهای نظریه ندلیو، ابعاد نوینی از حضور جمهوری اسلامی ایران در

مسئله عراق، لبنان و سوریه و نقش محور مقاومت در این تحولات را مورد بررسی قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در مورد سیاست خارجی ایران و محور مقاومت انجام گرفته است: سوری و خواجه‌سروی (۱۴۰۱) در پژوهش «جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت و شکل‌دهی نظم منطقه‌ای غرب آسیا»، به بررسی عواملی که باعث تقویت نفوذ ایران و محور مقاومت در منطقه غرب آسیا شده‌اند، پرداخته‌اند. لطفی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی»، جایگاه و نقش الگوی ایران در تشکیل محور مقاومت را مورد بررسی قرار داده‌اند. هاشم‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان)»، با استفاده از نظریه سازه‌نگاری به بررسی رابطه انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری محور مقاومت پرداخته‌اند. قاسمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر محور مقاومت پرداخته است. در این پژوهش، تحلیل گفتمان انقلاب، به‌عنوان یکی از روش‌ها و نظریه‌های تبیین‌کننده محور مقاومت، اتخاذ شده است. سلطان‌نژاد^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش «ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی ایران: شناخت محور مقاومت»، حمایت ایران از عناصر شیعه در لبنان و عراق را توضیح می‌دهد. از دیدگاه نویسنده، همدلی ایران با شیعیان ناشی از دردی است که آن‌ها در طول تاریخ از برخی قدرت‌های غربی به‌ویژه انگلستان و آمریکا متحمل شده‌اند.

بررسی آثار به‌تحریر درآمده بیانگر این است که این آثار هر کدام عوامل مختلفی را در جهت تحلیل سیاست خارجی ایران و محور مقاومت به‌کار گرفته‌اند. با توجه به اینکه هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق، به‌طور خاص به موضوع فرهنگ و مسائل روح‌بنیان در رابطه با سیاست خارجی ایران و محور مقاومت نپرداخته‌اند، پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از نظریه فرهنگی ندلیبو به تحلیل سیاست خارجی ایران در قبال محور مقاومت

پرداخته و خلا موجود را پر کند.

۳. چهارچوب نظری

از دیدگاه ریچارد ندلیو، بخش عمده‌ای از رفتار بازیگران فرااستفالیایی را انگیزه‌هایی همانند انتقام و خشم تشکیل می‌دهد (Lebow, 2010:108). در عرصه سیاست خارجی، این دولت‌های قدرتمند هستند، نه کشورهای ضعیف، که اغلب احساس حقارت می‌کنند. در قلمرو بین‌الملل، رهبران دولت‌های قدرتمند وقتی از ورود به نظام بین‌الملل منع می‌شوند، از به رسمیت شناختن آن‌ها به‌عنوان یک قدرت بزرگ جلوگیری می‌شود، یا رفتاری تحقیرآمیز برای درک آن‌ها از خود نشان می‌دهند، این عوامل خشم کنشگر را بر می‌انگیزد. بنابراین، آن‌ها به دنبال راهی برای اثبات ادعاهای خود و انتقام خواهند بود (Lebow, 2010: 74). انتقام ایجاب می‌کند که کنشگر برای احیای اعتبار خود به مشارکت در خشونت مبادرت ورزد (O'Neill, 1999: 91).

ریچارد ندلیو معتقد است در کنار انگیزه‌های مادی مثل منافع، انگیزه‌های روحانی مثل منزلت و اعتبار نیز نقش اساسی در شکل‌دهی به رفتار کشورها دارد. از دیدگاه ندلیو، انسان‌ها در پیگیری انگیزه اشتها و خرد همواره آستانه خطرپذیری را در نظر دارند (معمولاً غذا، نوشیدنی و.... را در شرایطی که ممکن است ارزشی بالاتر به خطر بیفتد، امتناع می‌کنیم)، اما با اولویت یافتن انگیزه روح در عرصه سیاست خارجی، ممکن است به اقداماتی دست یازند که بسیاری از منافع مادی و حتی وجودی خود را به خطر اندازند و نابود شوند (Lebow, 2008: 14). به‌عنوان یک نمونه تاریخی، ندلیو به بحران موشکی کوبا اشاره می‌کند که در آن بسیاری از تصمیمات و کنش و واکنش‌هایی که بین رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا و شوروی (کندی و خروشچف) در جریان بود به دلیل افتخارجویی بوده است نه به دلیل منافع ملی (Lebow, 2006: 431). به‌طور کلی می‌توان گفت که جوامع روح‌بنیان ریسک‌پذیرتر از جوامعی هستند که انگیزه‌های مادی و ترس به رفتار آن‌ها شکل می‌دهد (Lebow, 2008: 537). بنابراین برای به دست آوردن منزلت به هرکاری دست می‌زنند و هر خطری را می‌پذیرند اگرچه به قیمت امنیت فیزیکی آن‌ها تمام

شود (Lebow, 2006: 435). جنیفر میتزن^۱، این اقدام دولت‌ها یعنی به خطر انداختن امنیت فیزیکی خود را تلاشی برای تداوم تعریف از خود و دیگران و احساس کارگزاری در نظام بین‌الملل دانسته تا از این طریق تعریف تثبیت شده‌ای از خود و دیگری و دوست و دشمن کسب نمایند (Mitzen, 2006: 341).

در راستای واکاوی الگوی علل رفتاری کشورهایی که سیاست خارجی آن‌ها روح‌بینان است، می‌توان گفت که دو عامل بر رفتار این کشورها همواره تأثیرگذار بوده است: نخست، اینکه این کشورها درصدد هستند تأیید خود توسط کسانی که مهم هستند را به دست آورند (شناسایی)؛ دوم، این کشورها برای خود نقش بازیگر مؤثر تعریف کرده‌اند (احیای شکوه و اعتبار). این دو عامل در نهایت در اندیشه لیبو در مفهوم عزت‌جویی خود را متجلی می‌کند (Lebow, 2006: 431). براساس مفهوم عزت‌جویی، لیبو معتقد است که رفتار بسیاری از کشورها در عرصه سیاست خارجی ریشه در تلاش برای کسب عزت نفس، عزت و احترام داشته است چراکه این کشورها دارای تاریخ تحقیرشدگی هستند و براساس اصل تاریخ تحقیرشدگی، این کشورها می‌خواهند انتقام همه بی‌حرمی‌ها (عدم شناسایی و استعمار) را بگیرند. همچنین لیبو در راستای تفکیک تعریف نقش بازیگر مؤثر و طلب تأیید، دو مفهوم عزت و عزت‌نفس را از هم تفکیک می‌کند. از دیدگاه لیبو، عزت یک مفهوم بیرونی و عزت‌نفس یک مفهوم درونی است. عزت بر این اشاره دارد که دیگران تا چه اندازه ما را عزیز بدانند (تأیید جایگاه و منزلت توسط دیگران) که از طریق تحسین و تقلید و یا انتقاد حاصل می‌شود و عزت‌نفس یعنی ما چقدر خودمان را عزیز بدانیم (ارزیابی مثبت از خود اجتماعی) (Lebow, 2008: 61-62) که در احساس ارزشمندی و کارآمدی متجلی می‌شود (Cast, 2002: 68).

عزت‌نفس یک احساس ذهنی در زمینه افتخار و جایگاه خود است و می‌تواند منعکس‌کننده یا متفاوت از عزتی باشد که دیگران برای شخص قائل می‌شوند. عزت‌نفس پیوند تنگاتنگی با افتخار دارد. از دیدگاه یونانی‌ها عزت‌نفس شأنی است که توصیف‌کننده

شناخت ظاهری ما از دیگران در پاسخ به برتری خود است. افتخار یک هدیه است که کنشگران از کنشگران دیگر دریافت می‌کنند (Lebow, 2008: 64-65).

بر این اساس، کشورها علاوه بر تلاش برای کسب عزت نفس، نیازمند کسب افتخار و رضایت از خود هستند. بنابراین، در بسیاری از موارد نه به دنبال تأیید دیگران، بلکه به دنبال تحقق تصویری که از خود دارند به سیاست خارجی ماجراجویانه روی می‌آورند. لیو معتقد است تلاش فعالانه برای افتخار و ایستادگی توسط افراد و دولت‌ها اغلب پرهزینه است و این هزینه در مواردی همانند آلمان میان دو جنگ جهانی حتی با هزینه از بین رفتن اصل وجودی دنبال می‌شود. بر این اساس، در نظریه روح‌بنیان ندلیو به جای منطق نتیجه، «اصل تناسب» مطرح می‌گردد. اصل تناسب سبب می‌شود که کشورها محدودیت خودخواسته بر ابزار، اهداف و قواعد تحمیل نمایند (Lebow, 2008: 149).

۴. مبانی روح‌بنیان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌عنوان زمینه مناسبی برای تحلیل نظریه فرهنگی ندلیو تلقی نمود. بر اساس هستی‌شناسی نظریه فرهنگی ریچارد ندلیو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سیاستی روح‌بنیان تلقی می‌گردد. پیشینه تاریخی و آموزه‌های اسلامی و انقلابی، هویت فرهنگی جامعه ایران را شکل داده و به رفتار این کشور در نظام بین‌الملل عینیت بخشیده است.

کشور ایران به دلیل وضعیت جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردش از زمان‌های قدیم محور مبادلات شرق و غرب بود. قرار گرفتن در چهارراه شرق و غرب زیان‌های فراوانی را به این کشور وارد کرد. در طی دو‌یست سال گذشته و در نتیجه رقابت بین دول استعمارگر انگلیس، روسیه و فرانسه، ایران اراضی وسیعی را از دست داد، معاهده گلستان و ترکمانچای به ایران تحمیل شد و شهرهای زیادی از خاک ایران جدا شد و استثمار و تحقیر را به همراه داشت (فرمانفرمایان، ۱۳۵۰: ۳۴-۳۳). در رقابت و درگیری دولت‌های استعمارگر انگلیس، روسیه و فرانسه بر سر کشورهای خاورمیانه، ایران به حکم ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی‌اش در ردیف سرزمین‌های بسیار با اهمیت قرار

گرفت و خواه‌ناخواه به پهنه بازی‌های سیاست جهانی گام گذاشت و عملاً بازیچه نقشه‌ها، تاکتیک‌ها، استراتژی‌ها و معامله‌های گسترش‌خواهانه عوامل جهانی استعمار گردید. ایران از نظر استراتژیکی و جغرافیایی مهم بود، زیرا در همسایگی افغانان و عثمانیان، میان هند - که مستعمره انگلیس بود - و دیگر کشورهای فزون‌خواه، که چشم طمع به هند دوخته بودند و می‌خواستند آن را از چنگ رقیب انگلیسی خویش درآورند، قرار داشت. از نظر سیاسی و اقتصادی ایران ناتوان و واپس‌مانده بود و خودبه‌خود ناچار بود آماج برنامه‌های استعماری و استثمارگری غرب گردد (حائری، ۱۳۷۲: ۲۳۱).

بنابراین، ستم‌هایی که ایران در طول تاریخ با آن مواجه بود باعث شد انگیزه روحیه یکی از مهم‌ترین علل رفتار سیاست خارجی این کشور قرار بگیرد. ایرانیان همواره به گذشته تاریخی ایران در قالب تمدن ۲۵۰۰ ساله ایران باستان، استمرار فرهنگ و هنر ایرانیان در طول قرن‌های متمادی و... افتخار می‌کنند. جلوه‌های با شکوه تمدن ایران به تمدن هفت‌هزار ساله ایرانی در دوره‌های هخامنشیان، صفویان و ساسانیان برمی‌گردد. ایران در این دوره‌ها به لحاظ گستردگی مرزها و شیوه خاص مدیریتی سرآمد ملل بوده است (نوری، ۱۳۹۲: ۲۷). این عوامل باعث شده تا تاب بی‌حرمتی و تحمل ستم‌هایی که از جانب کشورهای استعمارگر بر آن‌ها وارد شده را نداشته باشند و همواره در گفتمان‌های سیاست خارجی خود به دنبال کسب منزلت و عزت باشند.

علاوه بر پیشینه تاریخی، آموزه‌های اسلامی و انقلابی نیز در اتخاذ سیاست خارجی روح‌بنیان جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشته است. این عامل با ظهور اسلام در ایران، در قرن هفتم شکل گرفت. پذیرش دین اسلام تأثیرات عمیقی بر رفتار، تفکر و نگرش ایرانیان برجای نهاد و نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ایرانی مسلمان ایفا نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی برخی از عناصر فرهنگی دین اسلام از جمله، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی و استقلال‌طلبی در سیاست خارجی تبلور یافت (دهقانی فیروزآبادی و شکری، ۱۳۹۹: ۱۶). یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد حکومت جهانی مبتنی بر عدالت و توحید است چراکه بدون ایجاد حکومت جهانی برقراری عدالت جهانی و ظلم و استکبارستیزی معنا ندارد. تلقی از محیط بین‌الملل

به‌عنوان دارالسلام و دارالکفر، عدالت‌طلبی، اصل دعوت غیرمسلمانان به اسلام و بالاخص آرمان ظهور منجی آخرالزمان ﷺ و تلقی ایرانیان از جایگاه خود در تحقق این آرمان، از جمله ساختارهای معنایی قوام‌بخش منزلت‌طلبی در سیاست خارجی ایران است (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۸۲).

در نهایت، مواضع و رفتار جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظام بین‌الملل در قالب مفاهیمی از جمله؛ «عزت» و «عزت نفس» خود را نشان داده است.

۱-۴. عزت نفس در عرصه سیاست خارجی

عزت نفس یکی از پایه‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مطابق با اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. این ممنوعیت خود تأکیدی است بر اصل عزت نفس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. در کنار این اصل، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در سخنرانی‌های متعددی بر اصل عزت تأکید کرده است و والاتر از آن در کنار حکمت و مصلحت، عزت را یکی از مهم‌ترین پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده است. «معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است» (بیانات رهبری، دیدار مسئولان و کارگزاران کشور، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

تعاملات با جهان در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. «یعنی تسلیم، انسلام و انظلام، نه در مرحله‌ی باورهای قلبی و نه در مرحله‌ی عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷). «عزت یعنی اقتدار الهی؛ احساس اقتدار کردن و اعتزاز به خود، کسی حق ندارد احساس ذلت کند. اگر کسی احساس ذلت کند، از ما نیست» (بیانات رهبری، دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور ۱۳۷۱/۰۵/۱۹).

ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند. هیچ‌کس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت‌پذیر است، برای خودش اهانت‌پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد. ملت ایران، ملتی سرافراز و بزرگ و جان‌دار است و نشان داده است که قدرت حضور در صحنه‌های دنیا را دارد. ما که بودیم، ما کجا بودیم، ما را در دنیا یک روز به‌عنوان زائیده‌ی انگلیس، و یک روز به‌عنوان زائیده‌ی آمریکا می‌شناختند. چه کسی معتقد بود که این ملت می‌تواند بدون اتکای به هیچ‌کس، بدین‌گونه در دنیا برای خودش عزت درست کند و انظار جهانی را به سوی خویش جلب نماید. ما بحمدالله در تمام صحنه‌ها مشاهده کرده‌ایم که این ملت، ملت بزرگ و جان‌دار و پرخونی است؛ زار و نزار و ذلت‌پذیر نیست (بیانات رهبری، دیدار با مسئولان وزارت خارجه، ۱۳۷۰/۰۲/۲۸)

۲-۴. عزت در عرصه سیاست خارجی ایران

عزت نیز بنیانی دیگر برای سیاست خارجی روح‌بنیان جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند و مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به محتوای انقلاب اسلامی که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب در داخل و خارج را فراهم می‌کند. به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده جهانی را هموار کند. جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. در قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران خود را به‌عنوان یک قهرمان برای مستضعفان به تصویر می‌کشد که عزت و سرافرازی را در مبارزه با دولت‌هایی که سلطه‌گر خوانده می‌شود جست‌وجو می‌کند.

تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، گسترش عدالت و نفی ظلم و ستم مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. در این زمینه مسئله حمایت از مستضعفین در قبال

مستکبرین جهان، بسیار اساسی و مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی بوده است، به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در خصوص حمایت از مستضعفین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵: اصل ۱۵۴). هدف انقلاب اسلامی ایران، گسترش گفتمان خود در سایر ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه است که علاوه بر امنیت پایدار ملی، به ثبات و امنیت منطقه‌ای نیز کمک می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۹).

گفتمان مقاومت که یکی از نماد شاکله‌سازی عزت‌مندانه و مقتدرانه دیپلماسی نهضتی منبعث از انقلاب اسلامی است. نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس مبانی مکتبی و اصول قانون اساسی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، از آغاز شکل‌گیری، علی‌رغم مشکلات متعدد داخلی و خارجی، بر حمایت مادی و معنوی از جریان مقاومت اسلامی و نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان از امریکای لاتین تا خاورمیانه و اروپای شرقی تأکید زیادی داشته و در این راه هزینه‌هایی را نیز پرداخته است. یکی از نمودهای حمایت جمهوری اسلامی مقابله با اسرائیل است. در راستای مقابله با اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران اهداف خود را محدود به حمایت از فلسطین نکرده است؛ زیرا آرمان‌ها و اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی، هرگز به فلسطین و لبنان محدود نیست، بلکه آنان آرزوی سیطره بر جهان اسلام و به خصوص ام‌القرای آن (جمهوری اسلامی ایران) را در سر می‌پروراند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰-۶).

۵. مؤلفه‌های نظریه فرهنگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت
بر اساس مؤلفه‌های نظریه فرهنگی آنچه در تعقیب اهداف دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت اهمیت دارد مسئله منزلت‌جویی است که در قالب دو مفهوم «عزت نفس» و «عزت» متجلی می‌گردد.

۱-۵. عزت نفس

یکی از مهم‌ترین مفاهیم کانونی نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل مفهوم عزت نفس است که می‌توان آن را در قالب ارزیابی مثبت از خود اجتماعی و تحقق تصویری که بازیگران از خود دارند تبیین نمود. در نظر داشتن اصل تحقق تصویری که جمهوری اسلامی ایران از خود دارد ابعاد مهمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت را در اختیار می‌گذارد.

در تعریف محور مقاومت یکی از کلیدی‌ترین بازیگران حزب‌الله لبنان است. اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله لبنان، در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای دیگر در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی علیه السلام است (Bagheri Dolatabadi, Beigi & Choul, 2020: 111). سید حسن نصرالله، در خصوص پیروی حزب‌الله از رهبری امام خمینی علیه السلام می‌گوید: از نظر ما، امام خمینی مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است، همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است؛ اما امام برای ما بیش از این است، ایشان نماد انقلاب علیه طاغوت، مستکبران و نظام‌های استبدادی است (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

سید عباس موسوی نیز بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی، جنبش حزب‌الله لبنان را زیر مجموعه‌ای از انقلاب اسلامی می‌داند: «جنبش مقاومت اسلامی جزئی از انقلاب بزرگ اسلامی است که در رأس آن انقلاب ایران قرار دارد» (رادمرد، ۱۳۹۰: ۸). سید حسن نصرالله در سخنرانی خود در جمع ایرانیان داخل لبنان نیز بیان داشته است: آیت‌الله خامنه‌ای ولی فقیه است. او به‌عنوان ولی فقیه توصیه‌هایی به حزب‌الله می‌کند ما اعتقاد داریم اگر ولی فقیه پیشنهادی را مطرح فرمود (امر نکرد) نظر من این است که ما باید از این پیشنهاد همانند یک امر اطاعت کنیم (پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۶: ۳). وی در سخنرانی به مناسبت عاشورا نیز در تبیین ولایت‌پذیری حزب‌الله لبنان بیان داشتند ما سرباز ولی فقیه هستیم (پایگاه اینترنتی باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۰: ۱).

عامل دیگری که سبب تثبیت محور مقاومت گردید، بحران در سوریه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محور مقاومت بود. هرچند کشور سوریه قبل از بحران، عضو محور

مقاومت بوده و یکی از دلایل بحران سوریه عضویت این کشور در محور مقاومت و تضعیف این محور از طریق تضعیف سوریه بود، اما در خلال بحران سوریه یکی از مهم‌ترین اقداماتی که توسط دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، حمایت از تشکیل نیروی موسوم به قوات الدفاع الوطنی^۱ و نیروهای دفاع محلی بود که نوعی الگوبرداری از سازمان بسیج است (Voanews, 2015: 1). قوات الدفاع الوطنی که به بسیج سوریه معروف است، شاخه‌ای از نیروهای مسلح سوریه است که بخش مهمی از نیروهای داوطلب مردمی پس از تابستان ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی) زیر نظر سردار قاسم سلیمانی تشکیل شد (Fulton, Holliday & Wyer: 2013: 20-23). نیروهای دفاع ملی بزرگترین شبه نظامی سوریه از نظر تعداد و نفوذ در میان همه فرقه‌ها به حساب می‌آیند که تعداد سربازان تخمینی آن به چهل هزار نفر می‌رسد. (Saban, 2020: 2) نیروهای دفاع محلی نیز از ساختار نامنظم نیروهای ایرانی تأثیر پذیرفته است. امروزه نیروهای دفاع محلی بخشی از ارتش سوریه بوده و تعداد نیروهای آن بیش از پنجاه هزار رزمنده تخمین زده شده بود، به خدمت گرفته است (Saban, 2020: 3)

همانند سوریه و لبنان در بعد دیگر محور مقاومت، یعنی عراق نیز نیروهای حشدالشعبی به‌عنوان یک نیروی شبه‌نظامی شکل گرفت که حضور خود را در جریان رویارویی با سازمان تروریستی داعش در موصل و غرب عراق تقویت نمود. سپاه قدس در سازماندهی حشدالشعبی سهم عمده داشت و فرماندهان سپاه قدس به‌ویژه سردار قاسم سلیمانی تشکیلات آن را از روی مُدل تشکیلاتی «بسیج ایران» سازماندهی کرده‌اند. این امر در بیانات فالح الفیاض^۲، فرمانده حشدالشعبی عراق در دیدار با حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران ایران مبرهن است که بر اساس آن به دنبال چگونگی استفاده از تجربه سپاه با قوانین و خصوصیات عراق بوده‌اند (العربیة، ۲۰۲۱: ۱).

همان‌گونه که ذکر آن رفت، تشکیل نیروهایی همانند حزب‌الله لبنان، دفاع‌الوطنی و

1. National Defence Forces

2. faleh al-fayadh

حشدالشعبی و شباهت‌گفتمانی و ساختاری از نیروها و یا ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران، در عرصه دیپلماسی نهضتی منبعث از انقلاب اسلامی ایران همانند آینه‌ای است که منجر به ارزیابی مثبت از خود اجتماعی در عرصه سیاست خارجی می‌گردد. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در دیدار با بسیجیان فرمودند: بسیج بیش از دیگر مجموعه‌های کشور یا در ردیف اولین مجموعه‌های کشور از لحاظ دشمنی نظام سلطه و جبهه‌ی استکبار با او است. نه فقط در ایران، هر جای دیگر نمونه‌هایی از نوع بسیج، شما سراغ داشته باشید همین جور است؛ اینها مثلاً در عراق با حشدالشعبی هم همین قدر دشمن هستند (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۲). سید ابراهیم رئیسی نیز با تشبیه حشدالشعبی به بسیج ایران، حشدالشعبی را پشتوانه عظیمی برای توسعه و پیشرفت عراق و دفاع از مردم در برابر توطئه‌ها و نقشه‌های بیگانگان دانسته‌اند (پایگاه اینترنتی خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۰: ۲).

۲-۵. عزت

یکی دیگر از مهم‌ترین مفاهیم سیاست خارجی فرهنگی در اندیشه ندلیبو مفهوم عزت می‌باشد که مبین تأیید جایگاه و منزلت توسط دیگران می‌باشد. تأیید جایگاه خود در نزد دیگران به دو طریق صورت می‌پذیرد؛ نخست، از طریق جامعه‌پذیری و تأکید بر ارزش‌های مشترک و دیگری از طریق مخالفت با دیگران. بر این اساس تلاش برای کسب عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دو طریق مختلف ولی مرتبط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت را تحت تأثیر قرار داده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با به قدرت رسیدن نیروهای جدید، سیاست خارجی ایران از عرفی‌گرایی دولت‌محور به امت‌گرایی انقلابی تغییر یافته و در نتیجه نظام امنیتی موجود را نظام سلطه و غیر مشروع (انتقاد) و نظام مطلوب را نظامی مبتنی بر امت واحد اسلامی می‌دانست. در طرح نظام امت محور، آرمان آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل، الگوبرداری مردم دیگر کشورها از انقلاب اسلامی ایران (کدیور، ۱۳۷۴: ۲۰۷-۲۰۶) مهم‌ترین وجوه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب گردیده و تحت لوای اهداف فراملی ایران برای خود نقش بازیگری مؤثر در تحولات خاورمیانه قائل گردید.

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مذکور، جمهوری اسلامی ایران، متأثر از تحولاتی همانند اشغال لبنان، به ایجاد شبکه‌های نامتقارن همانند شبه‌نظامیان لبنانی با عنوان حزب‌الله پرداخت و این امر نیز شبکه درهم‌تنیدگی بازیگرانی همانند ایران، حزب‌الله لبنان و سوریه گردید. با اشغال لبنان توسط اسرائیل، شکل‌گیری اندیشه مقاومت در برابر اسرائیل در ایران که حاصل انقلاب اسلامی بود، همچنین برای اعرابی که در سه جنگ متوالی از اسرائیل شکست خورده بودند و به خصوص برای سوریه که بخشی از خاک خود تحت عنوان بلندی‌های جولان را از دست داده بود به شدت مورد توجه و پذیرش قرار گرفت و سنگ بنای گروه موسوم به حزب‌الله با همکاری جمهوری اسلامی ایران و سوریه بنا نهاده شد.

علاوه بر آن، در عرصه خاورمیانه، سوریه با سیاست‌های تجاوزکارانه اسرائیل در حوزه شرقی مدیترانه مواجه بود و ایران نیز از اگوست ۱۹۸۰ با تهاجم عراق مواجه شده بود. در بعد جهانی نیز هر دو دولت احساس می‌کردند ایالات متحده به‌عنوان یک قدرت امپریالیستی از دشمنان آن‌ها حمایت می‌کند. سوریه دریافت که ایران با گرایش‌های ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی خود و وزن استراتژیکی که دارد می‌تواند یک متحد ارزشمند برای دمشق باشد و علیه اسرائیل و عراق با دمشق همکاری کند (جانسیز و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۷۱).

حمایت سوریه از ایران نیز به دلیل کینه‌توزی آن‌ها نسبت به سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه با توجه به حمایت قاطع این کشور از اسرائیل و همکاری با بغداد در حمایت از مسیحیان مارونی در لبنان، بنیان نهاده شد. ایرانیان در میان مستضعفین، شیعیان در جنوب لبنان و حزب‌الله لبنان نفوذ داشتند و از این لحاظ با سوریه، قدرت غالب در این کشور، همکاری می‌کردند (El-sayed el-shazly, 1998: 229-230). در لحظه آغاز درگیری‌ها بین ایران و عراق، دولت اسد اجازه داد تا چند صد پاسدار در لبنان مستقر شود. این عمل جای پای ایران در سرزمین سرو را باز کرد و امکان دسترسی به مدیترانه را به آن داد و فرصتی فراهم آورد تا شبکه خود در جامعه شیعیان لبنان را محکم کند. این پاسداران هسته اصلی حزب‌الله و جهاد اسلامی را در میان افرادی که با وقوع انقلاب اسلامی ایران تحت تاثیر گفتمان انقلاب بودند، تشکیل دادند (Razoux, 2015: 108-109).

ایران و سوریه همچنان نقش مؤثری در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان ایفا کردند، به گونه‌ای که در نهایت حزب‌الله لبنان با حمایت مشترک ایران و سوریه به نیرویی تنومند در درون لبنان تبدیل شد. رهبر انقلاب اسلامی ایران که از آغاز نهضت مخالفت خود را با رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود با همکاری سوریه به حمایت از حزب‌الله لبنان مبادرت ورزید و این نیرو در نهایت به مؤلفه کلیدی از نظام اتحادها در خاورمیانه تبدیل شده است (جانسیز و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۷۲).

یکی دیگر از عناصر اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت، بازیگری در بحران سوریه است. از منظر جمهوری اسلامی ایران، سوریه به‌عنوان یک متحد راهبردی از اهمیت خاصی در منطقه خاورمیانه برخوردار بوده و بازیگری مؤثر در تحولات کشورهای هم‌انند لبنان و در مقابل اسرائیل است. با توجه به موقعیت جغرافیایی و اهمیت هویتی سوریه، در سپهر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت، سوریه نوعی عمق راهبردی محسوب گردیده و به نوعی خط مقدم اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران در مسائل فلسطین و لبنان محسوب می‌گردد. با توجه به این اهمیت، از آغاز بحران در سوریه، جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت دولت اسد شروع به ارائه کمک‌های فنی و امنیتی کرد. با این حال، به مراتب عمق یافتن بحران به‌خصوص با آغاز سال ۲۰۱۲ و گسترش ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی این بحران، ایران در کنار ارائه خدمات مالی، سیاسی و لجستیکی شروع به حمایت‌های گسترده نظامی نیز کرد. از این مرحله به بعد واحدهای نظامی ایران به منظور کنترل بحران و ممانعت از پیشروی جریان‌های تندرو مخالف به سمت دمشق در پایگاه‌های سوریه استقرار یافتند (Saban, 2020: 8).

علاوه بر این، ایران برای تقویت این جنبه‌های اجتماعی و نظامی سیاست خود، از مشوق‌های مالی برای حفظ حضور طولانی مدت در شرق سوریه استفاده می‌کند. ایران با بهره‌گیری از محرومیت و فقر ناشی از جنگ در جوامع قبیله‌ای سوریه، بیش از ۱۲ مؤسسه خیریه در شرق سوریه برای پیشبرد برنامه‌های خود حمایت می‌کند. که عبارت‌اند از الزهراء،

سازمان جهاد البینا^۱، الامین^۲ و بسیاری دیگر. جهاد البینا تقریباً به طور کامل توسط ایران تأمین می‌شود و در شهر ابوکمال^۳ مستقر است، جایی که در بازسازی مدارس و بیمارستان‌های استان کار می‌کند. همچنین با برچسب «هدایای جمهوری اسلامی ایران» به مردم دیرالزور^۴ کمک‌های بشردوستانه و پزشکی توزیع می‌کند. کمک‌ها به‌ویژه برای کسانی است که به شبه نظامیان طرفدار ایران در شرق سوریه می‌پیوندند (Saban, 2020: 8).

علاوه بر تشکیل حزب‌الله لبنان، ایران به دلیل قرابت مذهبی و رسالت فراملی به حمایت از نیروهای شیعه عراق در مراحل مختلف تاریخ این کشور پرداخته است که نمونه آن را می‌توان در انتفاضه عراق و اوج آن را بعد از سقوط رژیم بعث در هسته‌های مقاومت علیه آمریکا و بعد از آن علیه داعش مشاهده نمود که منجر به تشکیل نیروی حشدالشعبی گردید. ایران، پس از سقوط صدام اقداماتی را در راستای نیل به اهدافش در عراق انجام داد. از جمله این اقدامات می‌توان به بازگرداندن تعدادی از رهبران بلندپایه سیاسی و نظامی مجلس اعلای اسلامی عراق مانند حجت‌الاسلام سید عبدالعزیز حکیم نایب رئیس مجلس اعلا و حجت‌الاسلام محمدباقر حکیم رئیس مجلس اعلا را نام برد که به مدت ۲۳ سال تحت حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران در این کشور زندگی می‌کردند. متعاقب آن، نیروی نظامی سپاه بدر به عراق بازگشت که نتیجه آن شکل‌گیری تحرکاتی در قالب تظاهرات و سخنرانی‌های رهبران مجلس به‌ویژه در خطبه‌های نماز جمعه و اقدامات سیاسی، اجتماعی و نظامی علیه نیروهای آمریکایی به‌ویژه در شهرهای شیعه‌نشین عراق بود (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۶).

جمهوری اسلامی ایران با آموزش و مشارکت مستشاری خود این هسته‌ها و شبکه‌های مقاومت و جنبش‌های ضد سیستمی در یک گفتمان واحد و در واکنش به دخالت نیروهای خارجی در داخل سرزمین خود شکل گرفته‌اند. هسته مرکزی همه این گفتمان‌ها مبارزه با اشغالگری آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشد که از این حیث با جمهوری اسلامی ایران

1. Jihad Al-Bina Organization

2. El-Amin

3. Abu Kamal District

4. Deir ez-Zor

قربان دارند.

۶. مقاومت مردم‌پایه

عزت و عزت‌نفس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با محور شرارت در قالب مقاومت مردم‌پایه در انتخاب استراتژی و اهدافش انعکاس دارد. در نگرش نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این کشور محور مقاومت را بر مدار مردم نهاد. این نوعی ابتکار در اتخاذ استراتژی برای جمهوری اسلامی ایران به بار می‌آورد چرا که در مواردی همانند نگاه به سوریه حتی پیش از بحران همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب معتقد بودند، سوریه در افکار عمومی منطقه از شاخص‌های مقاومت در برابر اسرائیل است و می‌تواند با تکیه بر حمایت مردمی و ملت‌های عرب، به پایداری در برابر دشمن صهیونیستی ادامه دهد (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۵/۰۳). همچنین، در دیدار با عبدالحلیم خدام^۱، معاون رئیس جمهوری سوریه اذعان داشتند: «ماجرای سوریه ماجرایی انتقام‌گیری از حکومتی است که سه دهه به تنهایی در برابر صهیونیست‌های غاصب ایستاده و از گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان دفاع کرده است» (بیانات رهبری، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۱/۰۸/۰۴).

سید حسن نصرالله در مصاحبه با دفتر نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی، مطرح می‌سازد اگر بخواهم به یک عبارت دقیق درباره‌ی سوریه اشاره کنم، عبارتی است که السيد القائد درباره‌ی این کشور به کار بردند و فرمودند: «سوریه، ستون خیمه است». امروز بدون سوریه، مقاومت در لبنان و فلسطین به حاشیه رانده خواهد شد. سوریه یکی از اجزای اصلی، بزرگ و مهم بدن و پیکر، عقل و فرهنگ و همچنین فکر و اراده‌ی مقاومت در منطقه است (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۰۲). در دیدار با وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه بیان کرد: «ما در کنار سوریه هستیم؛ سوریه امروز در خط مقدم قرار گرفته؛ وظیفه‌ی ما است که از ایستادگی سوریه حمایت کنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۰).

بر اساس این نگاه به محور مقاومت و کشورهای همانند سوریه، تأکید بر پایداری،

1. Abdul Halim Khaddam.

اقدام عملی تداوم مبارزه و تسلیم نشدن از جمله مؤلفه‌های استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر که ملت سوریه در مبارزه با تروریسم بودند، همواره حامی آن‌ها بوده و تا پیروزی نهایی بر تروریسم، بازگشت آوارگان و بازسازی این کشور کنار ملت و دولت سوریه ایستاد. از دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران هدف گفتمان محور مقاومت رسیدن به نقطه بازدارندگی به منظور رویارویی با دشمن است. «در پاسخ به نامه هنیه جریان مقاومت و ملت شجاع فلسطین با منطق عقل و تجربه، تهدید و تطمیع آن‌ها را برتافتاده و همچون گذشته با ایستادگی مثال‌زدنی خود مسیر عزت و شرف را رقم زده و از این پس هم در همین صراط مستقیم حرکت خواهد کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۰۴/۱۴).

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب مواردی همانند همکاری با کشورهایی همانند ایالات متحده آمریکا در مسائلی همانند بحران سوریه از دستور کار خارج شود.

«دشمنی که هدفش این است که دولت‌ها و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسل می‌جوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیایید - با ما که آمریکا هستیم - مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ در این قالب با انسان حرف می‌زنند؛ ... می‌گویند شما بیا در نقشه‌ی من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آن‌ها بشود، معنایش این است که جدول کاری آن‌ها را پر کرده است؛ معنایش این است که نقشه‌ی آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این به ظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت کند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت اما ضد استقلال سیاسی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت همواره ابعاد ماهوی از این سیاست را به نمایش گذاشته است و موجب شده است رویکردهای متعارف پژوهشی از درک

این ابعاد مغفول بماند. جمهوری اسلامی ایران همواره از حزب‌الله لبنان حمایت کرده و در مقابل داعش به تشکیل و تقویت حشدالشعبی پرداخته و در سوریه نیز از نیروهای قوات‌الوطنی حمایت کرده است. یکی از عواملی که سبب اتخاذ این تصمیم شده است هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعامل هویت، قدرت و امنیت بوده است. هرچند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت تابعی از عوامل داخلی و بیرونی می‌باشد باید در نظر داشت که یکی از مهم‌ترین عوامل داخلی و خارجی که در تعامل بین این دو سبب جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است مسئله عزت‌نفس و عزت‌جویی است. پس برای واکاوی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات شکل‌گرفته در کشورهای عراق و سوریه، باید عوامل هویتی را در نظر داشته باشیم. از نظر هویتی، جمهوری اسلامی ایران دارای سابقه طولانی تحقیرشدگی بوده است. سال‌های زیادی در استعمار کشورهای قدرت‌طلب انگلستان، روسیه و فرانسه بوده و قراردادهایی بر این کشور تحمیل شده که منجر به جدا شدن بخش‌های وسیعی از خاک ایران و همچنین وارد شدن صدمات زیادی به اقتصاد و سیاست این کشور شده است. این عامل در کنار آموزه‌های اسلامی و انقلابی منجر به اتخاذ سیاست خارجی روح‌بنیان شده است. لذا جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای وجهه و شکوه و اعتبار گذشته خود به منزلت‌طلبی در سیاست خارجی روی آورده است که در قالب عزت‌جویی و عزت‌نفس در عرصه بین‌الملل ظاهر شده است. بنابراین، بر اساس نظریه فرهنگی ریچارد ندلیبو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت را می‌توان اقدامی برای کسب منزلت و عزت و شکوه و اعتبار این کشور در عرصه بین‌المللی قلمداد نمود که تاثیر شگرفی بر پیشبرد اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران داشته است. کسب منزلت و عزت‌جویی در نهایت محدودیت‌هایی را نیز به همراه دارد چراکه در اینجا بحث منزلت در میان است نه منفعت. یعنی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از هر ابزاری استفاده کند و هر هدفی را دنبال کند. در اینجا حفظ منزلت و اعتبار مهم است.

کتابنامه

اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و

تحقیقات اندیشه سازان نور.

العربيه (۱۴۰۰). فرمانده حشد الشعبی؛ به دنبال تکرار الگوی سپاه پاسداران ایران در عراق هستیم. خبرگزاری العربیه، تاریخ مراجعه به سایت در ۲۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://farsi.alarabiya.net/middleeast/2021/08/08>

برنابلداجی، سیروس (۱۳۸۳). شیعیان عراق: بررسی وضعیت جامعه شناختی. شیعه شناسی، ۲(۷)، ۱۸۵-۱۴۷.

بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir>

پایگاه اینترنتی باشگاه خبرنگاران جوان (۱۴۰۰). سید حسن نصرالله: ما سرباز ولی فقیه هستیم / کشتی حامل سوخت ایران به زودی عازم لبنان می‌شود، تاریخ مراجعه به سایت در ۲۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://www.yjc.news/fa/news/7860835>

پایگاه اینترنتی خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۰). حشد الشعبی پشتوانه عظیمی برای امنیت و پیشرفت عراق است. تاریخ مراجعه به سایت در ۲۳ دی ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/84428656>

پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۶). متن کامل سخنرانی سید حسن نصرالله در جمع ایرانیان داخل لبنان. تاریخ مراجعه به سایت در ۹ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1975537>

جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳(۱۲)، ۶۷-۹۲.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، و شکری، مرتضی (۱۳۹۹). تحلیل راهبرد مقاومت در دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۱)، ۴۲-۱۳.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، و نوری، وحید (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی. تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران، امیرکبیر.

سوری، فاطمه، و خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۴۰۱). جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت و شکل‌دهی نظم منطقه‌ای غرب آسیا. محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ۲(۶)،

عزت‌طلبی به‌مثابه سیاست خارجی... - مصطفی عرب عامری (۱۰۸-۸۶) / ۱۰۷

۳۹-۶۴

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس
گفتمان انقلاب اسلامی. آفاق امنیت، ۳۸(۱۱)، ۲۹-۱.

لطفی، مهدی؛ شیرخانی، علی و جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۴۰۱). نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران
در شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۵۳(۱۴)، ۲۸-۱۶.

کدیور، جمیله. (۱۳۷۴). رویارویی؛ انقلاب اسلامی ایران و آمریکا. تهران: اطلاعات.

رادمرد، محمد. (۱۳۹۰). بررسی جایگاه ولایت فقیه در قاموس مبارزاتی حزب‌الله لبنان. تاریخ

مراجعه به سایت در ۲۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://www.porseman.com/article/147318>

فرمانفرمایان، حافظ (۱۳۵۰). تحلیل سیاست خارجی ایران. (اسماعیل شاکری، مترجم).
تهران، دانشگاه تهران.

محمدی، علیرضا (۱۳۸۵). نگرشی بر مبانی حمایت از مقاومت اسلامی در سیاست خارجی ایران؛

مقاومت اسلامی و منافع ملی. پگاه حوزه، ۱۹۶، بازیابی شده در تاریخ ۱۷ تیر ۱۴۰۲، قابل

دسترس در: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/4878/40401/>

نیاکویی سید امیر، و پیرمحمدی سعید (۱۳۹۸). واکاوی سیاست خارجی سوریه پس از بیداری

عربی. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹(۲)، ۲۵-۱.

نوری، وحید (۱۳۹۲). منزلت‌طلبی به‌مثابه سیاست خارجی؛ چهارچوبی برای تحلیل سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۱۶(۲)، ۳۲-۸.

هاشم‌پور، پیروز؛ حقیقی، علی محمد، و زارعی، غفار (۱۴۰۰). هویت‌بخشی انقلاب اسلامی

ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان). سیاست‌پژوهی ایرانی،

۸(۲۷)، ۳۱-۶۴.

Bagheri Dolatabadi, A., Beigi, M & Choul, A (2020). Understanding the Power of Hezbollah: The
Secret to its Victories, and its Permanence in the Lebanese Political Arena. *Journal of
Contemporary Research on Islamic Revolution*, 2(4), 111-131.

Cast, A. & Peter J. Burke (2002). "A Theory of Self-Esteem", *Social Forces*, 80(3), 1041-68.

El-Sayed El-Shazly, N (1998). *The Gulf Tanker War: Iran and Iraq's Maritime Swordplay*,
Palgrave Macmillan UK.

-ulton, W., Holliday, J & Wyer, S (2013). *Iranian Strategy in Syria*, Institute for the Study of

- War, Desember 20, 2021. Available at: <https://www.understandingwar.org/sites/default/files/IranianStrategyinSyria-1MAY.pdf>
- Gecas, V (1982). The Self-Concept. *Annual Review of Sociology*, 8(1), 1-33.
- Lebow, Richard N (2006). Fear, interest and honor: outlines of a theory of International Relations. *International Affairs*, (82)3, 431-448.
- Lebow, Richard N (2008). *A cultural Theory of International Relations*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Lebow, Richard N (2010). *Why Nations Fight, Past and Future Motives for War*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Mitzen, J (2006). Ontological Security in World Politics, State Identity and the Security Dilemma. *European Journal of International Relations*. 12(3), 341- 370.
- O'Neill, B (1999). *Honor: Symbols and War*, Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Razoux, P (2015). *The Iran-Iraq War*. Belknap Harvard.
- Saban, N (2020). Factbox: Iranian influence and presence in Syria, Atlantic Council. Desember 18, 2021. Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/factbox-iranian-influence-and-presence-in-syria/>?
- Soltaninejad, M (2019). Coalition-Building in Iran's Foreign Policy: Understanding the 'Axis of Resistance'. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(6), 716-731.
- Voanews (13 June 2015)" .Who Are Syria's National Defense Forces?, January 2022. Available at: https://www.voanews.com/a/extremism-watch_who-are-syrias-national-defense-forces/6195035.html,